

گلشن

■ گلشن مهر شناسنامه گلستان است

■ شنبه ۲ آبان ماه ۱۴۰۵ / سال بیست و هشتم / شماره ۳۲۷۷ / ۸ صفحه / ۲۵۰۰ تومان

۲



مهمترین علائم هشداردهنده در خودرو چیست؟



۳



دانشنامه گلستان در گذر یک دهه؛ از آغاز شکل گیری تا عصر هوش مصنوعی



۴



لزوم بازگشت به جامع مدیریت سیل استان گلستان



قالیشویی

کریم آبادی

قالی هایتان را تمیز و درخشان از ما تحویل بگیرید.

شماره تماس: ۰۹۳۳۵۶۰۹۵۲۷
۰۹۱۱۹۶۹۴۵۰۵

یادداشت اول

روز جناب ابوالفضل بیهقی

■ احسان مکتبی

اول آبان ماه روز نثر فارسی و به نام نامی ابوالفضل بیهقی صاحب تاریخ بیهقی نامگذاری شده است. اگر بخواهیم جایگاه جناب بیهقی در نثر فارسی را بدانیم شاید دانستن این که تاریخ بیهقی جزو چند کتاب نثر ارزشمند زبان فارسی در کنار گلستان، کلیله و دمنه، اسرار التوحید و تذکره الاولیاست تنها بخشی از حقیقت است. هر چند از نزدیک به سی جلد تاریخی که جناب بیهقی نوشته اند شوربختانه تنها بخش اندکی از آن به ما رسیده است اما همین اندک نیز نشانه‌ی توانایی و بضاعت این انسان خردمند است که کوشیده است بخشی از تاریخ کهن این دیار آریایی را برای ما باز گو کند کتابی هم در فرم و هم در مضمون صاحب ارج، آنجا که می نویسد: غرض من آن است که تاریخ پایه‌ای بنویسم و بنایی بزرگ افراشته گردانم، چنان که ذکر آن تا آخر روزگار باقی ماند و یا در جای دیگر می گوید: «غرض من از نبشتن این اخبار آن است تا خوانندگان را فایده‌ای به حاصل آید و مگر کسی را از این به کار آید و هرکس که این نامه بخواند، به چشم خرد و عبرت اندر این نامه بنگرد، نه بدان چشم که افسانه است». کتابی بس شیرین که در غم نامه‌ای مانند بر دار کردن حسنک وزیر چنان داستان را روایت می کند که گوی سبقت را از بزرگترین غم نامه‌های جهان می رباید تا تالی نثر غم نامه رستم و سهراب حکیم فردوسی نام گیرد غم نامه ای که آب به چشم می آورد آن هنگام که از مادر حسنک می نویسد: و مادر حسنک زنی بود سخت جگرآور؛ چنان شنیدم که دو سه ماه ازو، این حدیث نهان داشتند، چون بشنید، جزعی نکرد؛ چنان که زنان کنند؛ بلکه بگریست به درد؛ چنان که حاضران از درد وی خون گریستند. پس گفت: «بزرگا مردا که این پسرم بود! که پادشاهی چون محمود این جهان بدو داد و پادشاهی چون مسعود آن جهان، و ماتم پسر سخت نیکو بداشت و هر خردمند که این بشنید، بپسندید و جای آن بود. بیهقی منصفانه کوشیده است روایتگری صادق باشد و می نویسد چون دوستی بد کند چه چاره از گفتن و ناراستی های دوستان خود را نیز به قلم آورده است. اول آبان شاید بهانه‌ای باشد برای اینکه در بوستان بیهقی گشت و گذاری بکنیم و از لذت ریاحین دلنشین واژگان و ترکیبهای آن سر مست شویم. در این دوران پر قیل و قال فرصت مغتنمی است.

گزارشی از واقعیت آموزش و پرورش گلستان

زیر ساخت نداریم



مهران مودنی - مدیرکل آموزش و پرورش گلستان می گوید: پرورش رتبه برتر به زیرساخت نیاز دارد. گلستان از نظر اقتصادی با استان‌هایی مثل تهران و مازندران قابل مقایسه نیست. در نتیجه، نباید در آمار رتبه‌های برتر کنکور نیز خودمان را با آن‌ها مقایسه کنیم. قدرت‌اله نظری، عصر سه‌شنبه، ۲۸ مهر در نشستی خبری با اهالی رسانه، در پاسخ به پرسش خبرنگار گلشن مهر، ضمن مخالفت با مقایسه آمار رتبه‌های برتر گلستان و استان‌های دیگر در کنکور سراسری گفت: وقتی من کارم را به عنوان مدیرکل آغاز کردم، در چهار شهرستان استان گلستان، رشته ریاضی ارائه نمی‌شد. در مقابل، بر اساس اطلاعاتی که از مسئولان آموزشی مازندران دریافت کرده‌ام، حدود ۱۸ تا ۲۰ درصد دانش‌آموزان این

استان در رشته ریاضی تحصیل می‌کنند. وقتی شمار دانش‌آموزان یک رشته در استانی بیشتر باشد، طبیعی است که احتمال حضور دانش‌آموزان آن استان در میان رتبه‌های برتر نیز افزایش پیدا کند. مدیرکل آموزش و پرورش گلستان هدایت تحصیلی را یکی دیگر از عوامل مهم در تحلیل نتایج آموزشی استان‌ها دانست و اظهار کرد: هدایت تحصیلی باید متناسب با توانمندی‌ها، استعدادها، علایق و تمایلات دانش‌آموزان انجام شود و توازن مناسبی میان رشته‌های نظری، فنی‌وحرفه‌ای و کار و دانش برقرار باشد. وی افزود: بر اساس اطلاعاتی که در این گفت‌وگو مطرح شده، حدود ۶۰ درصد دانش‌آموزان این استان در رشته‌های فنی‌وحرفه‌ای و کار و دانش تحصیل می‌کنند و ۴۰ درصد دیگر در رشته‌های

نظری مشغول‌اند. نظری تأکید کرد: برای ارزیابی عملکرد آموزشی استان‌ها باید مجموعه‌ای از عوامل، از جمله توزیع دانش‌آموزان در رشته‌های مختلف، امکانات آموزشی، شرایط اقتصادی و کیفیت هدایت تحصیلی بررسی شود و مقایسه صرف رتبه‌های کنکور، بدون توجه به این متغیرها، تصویر کاملی از وضعیت نظام آموزشی ارائه نمی‌دهد. وی با بیان اینکه معدل دانش‌آموزان یکی از شاخص‌های ارزیابی عملکرد آموزشی در دوره متوسطه است، اظهار کرد: معدل دانش‌آموزان گلستان در چهار رشته نظری شامل علوم انسانی، معارف اسلامی، علوم تجربی و ریاضی در سال گذشته ۹۰۴۳ بود.

ادامه در صفحه ۲

ادامه تیر اول

این موضوع به دغدغه‌ای جدی برای مجموعه استان تبدیل شد و در همین راستا، کمیته‌ای با حضور ۵۰ نفر از پیشکسوتان، معلمان، سرگروه‌های آموزشی و مشاوران تشکیل شد. به گفته مدیرکل آموزش و پرورش گلستان، این کمیته پیش از آغاز جنگ دست‌کم ۲۵ جلسه برگزار کرد و در

نهایت، الگویی با عنوان «۱۰ گام تا موفقیت» برای ارتقای معدل دانش‌آموزان ارائه داد. وی با اشاره به هدف‌گذاری برنامه هفتم پیشرفت برای افزایش سالانه نیم‌نمره‌ای معدل دانش‌آموزان گفت: با اجرای برنامه‌های آموزشی و همراهی معلمان، دانش‌آموزان، خانواده‌ها و مدیران مدارس، معدل دانش‌آموزان گلستان در چهار رشته نظری از ۹.۴۳ به ۱۰.۶۲ افزایش یافت. نظری ادامه داد: میانگین رشد معدل در کشور ۱.۱۵ نمره بوده، اما این میزان در گلستان به ۱.۱۹ نمره رسیده است. بر این اساس، استان در میان هشت استان برتر کشور از

نظر رشد معدل قرار گرفت. وی این دستاورد را حاصل همکاری مجموعه استان دانست و از تلاش معلمان، مدیران مدارس، خانواده‌ها و دانش‌آموزان برای بهبود وضعیت آموزشی قدردانی کرد. نظری یکی دیگر از اقدامات مهم استان در دوره جنگ را مشارکت در تولید برنامه‌های مدرسه تلویزیونی عنوان کرد و گفت: در پی اعلام شرایط جنگی، پنج استان برای میزبانی از برنامه‌های آموزشی رسانه ملی اعلام آمادگی کرده بودند که در نهایت، گلستان در کنار تهران برای اجرای این برنامه انتخاب شد. او افزود: با همکاری آموزش و پرورش، شبکه آموزش،

صداوسیما مرکز گلستان و رسانه ملی، زمینه تولید و پخش محتوای آموزشی فراهم شد و ۵۰ معلم گلستانی در این فرایند مشارکت داشتند. مدیرکل آموزش و پرورش گلستان ادامه داد: معلمان از مناطق مختلف استان، از جمله مراوه‌تپه و کلالة، در این برنامه حضور داشتند و تدریس آن‌ها از طریق رسانه ملی در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت. این اقدام امکان دسترسی دانش‌آموزان مناطق دورافتاده و صعب‌العبور را نیز به محتوای آموزشی فراهم کرد. گفتنی است که در پایان این نشست، از رتبه‌های برتر استان گلستان در کنکور سراسری تجلیل به عمل آمد.

مهمترین علائم هشدار دهنده در خودرو چیست؟

داشته باشد. به‌خصوص خرابی لاستیک اهمیت زیادی دارد. منابع تخصصی ایمنی لاستیک هشدار می‌دهند که برخی مشکلات تایر می‌توانند پیش از خرابی با لرزش، برآمدگی، آسیب ظاهری یا سایش غیرعادی همراه باشند. در صورت خرابی ناگهانی لاستیک نیز ممکن است خودرو به یک سمت کشیده شود یا لرزش شدیدی ایجاد کند. اگر هنگام رانندگی ناگهان چنین وضعیتی ایجاد شد، ترمز شدید و چرخاندن ناگهانی فرمان می‌تواند کنترل خودرو را دشوارتر کند. بهتر است فرمان را محکم و کنترل‌شده نگه دارید، به‌آرامی سرعت را کاهش دهید و پس از رسیدن به محل امن خودرو را متوقف کنید. در صورت مشاهده آسیب لاستیک، ادامه مسیر با آن توصیه نمی‌شود.

دود، بخار یا بوی سوختگی

یکی دیگر از هشدارهای مهم نشانه‌هایی است که از زیر کاپوت یا اطراف خودرو دیده یا استشمام می‌شوند. دود یا بخار، بوی شدید سوخت، بوی روغن سوخته یا بوی سیم و پلاستیک سوخته می‌تواند نشانه وجود مشکل در بخش‌های مختلف خودرو باشد. بخار زیر کاپوت می‌تواند با داغ شدن موتور یا نشت مایع خنک‌کننده ارتباط داشته باشد. بوی سوختگی نیز ممکن است در اثر داغ شدن ترمزها، نشتی روغن یا سایر مایعات، مشکل تسمه یا حتی ایراد در سیم‌کشی ایجاد شود. در صورت مشاهده دود از زیر کاپوت، خودرو را در نخستین محل امن متوقف کنید. اگر احتمال آتش‌سوزی وجود دارد، از خودرو فاصله بگیرید و برای دریافت کمک اقدام کنید. همچنین اگر خودرو بیش از حد داغ شده و بخار از کاپوت خارج می‌شود، نباید با عجله کاپوت یا بخش‌های تحت فشار سیستم خنک‌کننده را باز کرد، زیرا احتمال سوختگی وجود دارد.

هنگام مشاهده هشدارها چه کار کنیم؟

مهم‌ترین اصل این است که محل امن را بر توقف ناگهانی ترجیح دهید. اگر در بزرگراه یا خیابان پرتدد هستید و امکان توقف فوری وجود ندارد، تا حد امکان بدون انجام مانور خطرناک، سرعت را کاهش دهید و به اولین نقطه امن برسید. پس از توقف، چراغ‌های هشدار را بررسی کنید و در صورت جدی بودن مشکل از ادامه حرکت خودداری کنید. همچنین نباید تنها به ظاهر خودرو اکتفا کرد. ممکن است یک خودرو بدون صدای غیرعادی همچنان با چراغ فشار روغن یا دمای موتور روشن حرکت کند، اما همین ادامه حرکت بتواند خسارت زیادی ایجاد کند. به همین دلیل، شناخت چراغ‌های هشدار و واکنش مناسب به آنها بخشی از مهارت‌های ضروری رانندگی است. در نهایت، دفترچه راهنمای هر خودرو باید مرجع اصلی برای شناخت دقیق چراغ‌ها باشد، زیرا نمادها، رنگ‌ها و پیام‌های هشدار در مدل‌های مختلف می‌توانند تفاوت داشته باشند. رسیدگی سریع به هشدارهای جدی در بسیاری از موارد می‌تواند هم از یک خرابی پرهزینه جلوگیری کند و هم مانع تبدیل یک نقص فنی به حادثه در جاده شود.



می‌کند؛ اما با خالی شدن باتری، امکان خاموش شدن خودرو و روشن نشدن دوباره آن وجود دارد. بنابراین روشن ماندن چراغ باتری هنگام حرکت را نباید به یک مشکل ساده در باتری محدود کرد. اگر این چراغ روشن شد، بهتر است مصرف‌کننده‌های غیرضروری برق مانند سیستم صوتی یا تجهیزات برقی غیرضروری را کاهش دهید و در اولین فرصت امن خودرو را برای بررسی سیستم شارژ متوقف کنید. اگر خودرو نشانه‌هایی مانند کم شدن نور چراغ‌ها یا اختلال در تجهیزات برقی نشان می‌دهد، احتمال از کار افتادن کامل سیستم شارژ جدی‌تر است.

چراغ ترمز

چراغ ترمز ممکن است در ساده‌ترین حالت به دلیل فعال بودن ترمز دستی روشن باشد. اما اگر ترمز دستی کاملاً آزاد شده و چراغ همچنان روشن است، موضوع می‌تواند جدی‌تر باشد. پایین بودن سطح روغن ترمز، وجود نقص در سیستم ترمز یا مشکل در یکی از بخش‌های مدار ترمز از جمله احتمالات هستند. ترمز از سیستم‌هایی نیست که بتوان خرابی آن را به امید رسیدن به مقصد نادیده گرفت. اگر علاوه بر روشن شدن چراغ، پدال ترمز حالت غیرعادی پیدا کرده، خودرو برای توقف به مسافت بیشتری نیاز دارد یا هنگام ترمزگیری رفتار متفاوتی نشان می‌دهد، ادامه حرکت می‌تواند خطرناک باشد. در چنین شرایطی، سرعت را به شکل کنترل‌شده کاهش دهید و در نخستین محل امن توقف کنید. اگر عملکرد ترمز طبیعی نیست، بهتر است به جای ادامه مسیر، از امداد یا یدک‌کش کمک بگیرید.

لرزش شدید یا اختلال فرمان

همه هشدارهای مهم خودرو روی داشبورد ظاهر نمی‌شوند. گاهی خود خودرو از طریق رفتار متفاوتش به راننده اعلام می‌کند که مشکلی به وجود آمده است. لرزش ناگهانی و شدید، کشیده شدن خودرو به یک سمت، تغییر غیرعادی در فرمان یا صدای کوبش می‌تواند با لاستیک، چرخ، سیستم تعلیق یا فرمان ارتباط

موتور را خاموش کنید. در صورتی که بررسی سطح روغن نشان دهد روغن کم است، می‌توان مطابق دستورالعمل سازنده سطح آن را اصلاح کرد؛ اما اگر سطح روغن مناسب است یا چراغ پس از افزودن روغن همچنان روشن می‌ماند، ادامه رانندگی تصمیم مناسبی نیست و خودرو باید توسط تعمیرکار بررسی شود.

چراغ دمای موتور

چراغ دمای موتور یا قرار گرفتن عقربه دما در محدوده قرمز، یکی از هشدارهایی است که نباید نادیده گرفته شود. این علامت می‌تواند نشان دهد موتور بیش از حد گرم شده و سیستم خنک‌کننده قادر نیست دمای آن را در محدوده مناسب نگه دارد. خرابی قطعات سیستم خنک‌کننده، کاهش مایع خنک‌کننده یا نشتی می‌تواند از جمله عوامل این وضعیت باشد. ادامه رانندگی با موتور داغ می‌تواند به قطعات مختلف موتور آسیب بزند و در موارد شدید، خرابی گسترده و پرهزینه ایجاد کند. بنابراین اگر چراغ دمای موتور روشن شد یا عقربه به محدوده قرمز نزدیک شد، باید در اولین نقطه امن کنار جاده توقف کرد و موتور را خاموش کرد. یک نکته ایمنی بسیار مهم این است که اگر از زیر کاپوت بخار خارج می‌شود، بلافاصله در رادیاتور یا مخزن تحت فشار را باز نکنید. قطعات و مایع خنک‌کننده می‌توانند بسیار داغ باشند و باز کردن در سیستم خنک‌کننده در این شرایط خطر سوختگی دارد. بهتر است اجازه دهید خودرو خنک شود و در صورت تداوم مشکل از امداد یا تعمیرکار کمک بگیرید.

چراغ باتری

چراغی که با نماد باتری روی داشبورد ظاهر می‌شود، لزوماً به معنای خراب شدن خود باتری نیست. این چراغ معمولاً به سیستم شارژ خودرو مربوط است و می‌تواند نشان دهد دینام یا بخش دیگری از مدار شارژ به‌درستی کار نمی‌کند. وقتی سیستم شارژ دچار اختلال شود، خودرو ممکن است برای مدتی همچنان کار کند، زیرا از انرژی ذخیره‌شده در باتری استفاده

روشن شدن چراغ‌ها هنگام استارت چه زمانی طبیعی است؟

پیش از بررسی هشدارهای خطرناک، یک نکته مهم وجود دارد. در بسیاری از خودروها، هنگام باز کردن سوئیچ یا روشن کردن خودرو، تعدادی از چراغ‌های هشدار برای چند ثانیه روشن می‌شوند. این وضعیت معمولاً بخشی از بررسی اولیه سیستم خودروست و به‌تنهایی نشانه خرابی نیست. نگرانی زمانی ایجاد می‌شود که چراغ پس از روشن شدن موتور همچنان روشن بماند یا هنگام حرکت دوباره ظاهر شود. همچنین رنگ چراغ‌ها می‌تواند در تشخیص میزان فوریت کمک کند. به‌طور معمول چراغ‌های قرمز نشان‌دهنده وضعیت‌های جدی‌تر هستند و نیاز به اقدام سریع دارند، در حالی که چراغ‌های زرد یا نارنجی معمولاً بیانگر مشکلی هستند که باید در اسرع وقت بررسی شود. با این حال، شکل و معنای دقیق هر چراغ ممکن است در خودروهای مختلف متفاوت باشد. بنابراین دفترچه راهنمای خودرو همیشه معتبرترین مرجع برای شناخت هشدارهاست.

چراغ فشار روغن

چراغ فشار روغن معمولاً با نماد یک روغن‌دان نمایش داده می‌شود. روشن شدن این چراغ هنگام حرکت می‌تواند به معنای پایین بودن فشار روغن موتور باشد. این وضعیت با کمبود ساده روغن یکسان نیست. ممکن است سطح روغن پایین باشد، پمپ روغن دچار مشکل شده باشد یا نقص دیگری باعث نشود روغن با فشار مناسب به بخش‌های مختلف موتور برسد. فشار مناسب روغن برای روانکاری قطعات متحرک موتور ضروری است. اگر موتور با فشار روغن ناکافی به کار خود ادامه دهد، اصطکاک و تماس نامناسب میان قطعات افزایش پیدا می‌کند و احتمال آسیب جدی به اجزای موتور وجود دارد. تأکید می‌شود که رانندگی با چراغ فشار روغن روشن می‌تواند در مدت کوتاهی به موتور آسیب سنگین وارد کند. اگر این چراغ هنگام رانندگی روشن شد، در اولین محل امن توقف و

آن‌ها به نظر همچنان خالی است. چنانچه ما نتوانستیم برخی مدخل‌های مهم استان را به نگارش درآوریم که امیدوارم در ویرایش‌های بعدی بتوانیم دانشنامه گلستان را تدوین و کامل کنیم.

وی افزود: همچنین همین‌جا ذکر این مطلب ضروری است که کامل شدن دانشنامه گلستان مستلزم نوشتن پیرامون ۴ هزار مدخل است که کاری سخت و طاقت‌فرسا است. همچنین باور دارم انتشار دانشنامه گلستان، پایان یک‌راه نیست، بلکه آغازی است برای جمع‌آوری، شناسایی و انتشار اطلاعات مربوط به سرزمین گرگان (جرجان-استرآباد) به شکل علمی که امیدوارم همچنان ادامه داشته باشد.

شکل‌گیری کار گروه‌های پنجگانه

رجایی سپس درباره اینکه بعد از گذشت ۱۰ سال از چاپ مجموعه، مسیر دانشنامه چگونه تا به امروز پیش رفته است، گفت: بعد از انتشار مجموعه در سال ۱۳۹۵ شمسی، جلسات متعددی برای آن برگزار کردیم. از برگزاری نشست نقد و بررسی تا برپایی شب دانشنامه گلستان با حضور علی‌دهباشی که تجربه خوبی در اختیار ما گذاشت. وی افزود: در ادامه کار گروه‌های پنج‌گانه‌ای را شکل دادیم؛ اما یکی از مشکلات عمده تدوین دانشنامه فقدان پژوهشگر و بی‌انگیزگی پژوهشگران است. کسانی که در حوزه دانشنامه فعالیت می‌کنند، جدا از تخصص در رشته خود و توانایی نوشتن، باید عشق به این کار را داشته باشند. رجایی ادامه داد: از طرفی دیگر مقاله‌های منتشره در دانشنامه‌ها بین‌رشته‌ای است. مثلاً وقتی می‌خواهیم درباره یک روستا مقاله بنویسیم، ضرورت دارد آن اقلیم را از نظر تاریخی، جغرافیایی، جامعه‌شناسی و ... بشناسیم و این بیانگر این است که دانش‌نامه‌نویس باید این قابلیت را داشته باشد. وی با اشاره به اینکه موسسه فرهنگی میرداماد همه‌چیز را مهیا کرده و همواره برای به سرانجام رساندن این پروژه آماده است، گفت: اما به خاطر مسائلی که عنوان کردم، اجرایی شدنش کمی دشوار شده، از طرفی مثلاً در استان گلستان بالای هزار روستا داریم و یا حدوداً هزار شخصیت تاریخی متعلق به دوران معاصر را شناسایی کرده‌ایم، که مدخل نوشتن برای هر کدام از این‌ها جدا از مسائل گوناگون، اشراف کامل پژوهشگر را می‌طلبد.

دانشنامه در زمانه هوش مصنوعی

رحمت‌الله رجایی سپس درباره اینکه «آیا برای دیجیتال و آنالین شدنش هم کاری شده و یا قصد تجدید چاپ را دارند؟»، گفت: با توجه به شرایط زمانه به نظر نمی‌رسد امکان چاپ مجدد میسر باشد اما در این سال‌ها داشته‌های دانشنامه را دیجیتال کردیم. کافی است مخاطبان سری به سایت موسسه فرهنگی میرداماد و دانشنامه گلستان بزنند و مقالات را به سهولت دریافت کنند. وی در بخش پایانی سخنانش عنوان کرد: با یک برآورد ساده اعلام می‌کنم که ما می‌بایست در مورد ۵ هزار مدخل بنویسیم و آنچه را تاکنون نوشته‌ایم فقط آغازی بوده است. از طرفی سالی که ما کار را شروع کردیم ابتدای دهه ۸۰ شمسی بود و با امروز بسیار متفاوت است. آن سال‌ها اینترنت به شکل امروزی فراگیر نشده بود و یا خبری از هوش مصنوعی نبود. همچنین آن زمان با توجه به شکل‌گیری استان گلستان، افراد انگیزه بیشتری داشتند ولی الآن وضعیت فرق کرده و در این میان اصلاً این سؤال مطرح است که با توجه به وجود هوش مصنوعی، آیا نیازی به نوشتن مقاله برای دانشنامه است؟! اما باز با این‌حال جلساتی را با عنوان آشنایی با رویکردهای نوین دانشنامه گلستان، به‌عنوان نمونه در آغاز اسفندماه سال گذشته بر پا کردیم. مرحله جدید به‌عنوان رویکردی نوین، بر دیجیتال‌سازی داده‌ها و تحول در شیوه گردآوری اطلاعات تأکید دارد و در این مدل، تولید محتوا فراتر از مقاله بوده و شامل قالب‌های متنوعی چون صوت، تصویر و محتوای تعاملی است. همچنین هوش مصنوعی به‌عنوان دستیار پژوهشی و ابزار شخصی‌سازی اطلاعات، نقش مهمی در این تحول دارد.

و برای ما ممکن و میسر نیست. از این‌رو سعی کردیم هر آنچه که موجود است، گردآوری و خود را صرفاً مقید به حرفی خاص نکنیم. رحمت‌الله رجایی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به اینکه در این زمینه هم، هیچ محدودیتی اعم از مکان، مدرک تحصیلی، شغل، قومیت و مذهب برای نویسندگان قائل نشده‌ایم و نیز سعی کردیم رساله‌های کارشناسی ارشد و دکتری را به سمت موضوعات استانی سوق دهیم تا بتوانیم از دل آن‌ها مقالات ویژه دانشنامه را استخراج کنیم و تا حدودی نیز موفق بوده‌ایم، گفت: باید اعتراف کنم که تدوین دانشنامه بر اساس حروف الفبا برای استان‌ها، بسیار سخت و طاقت‌فرسا است. از این‌رو در آن برهه زمانی کمتر کاری به این شکل در استان‌های کشور صورت گرفته بود اما می‌توانم اعلام کنم که مرکز دانشنامه گلستان در این زمینه پیشگام بوده است. مدیر مرکز دانشنامه گلستان خاطرنشان کرد: دانشنامه گلستان در زمان چاپ، دربرگیرنده ۳۵۰ مدخل



تدوین دانشنامه بر اساس نیاز صورت گرفت

رحمت‌الله رجایی، در ابتدا ضمن تقدیر از ابتکار و دوراندیشی آیت‌الله سید کاظم نور مفیدی، نماینده ولی‌فقیه در استان گلستان و امام‌جمعه گرگان در تأسیس مؤسسه فرهنگی میرداماد گفت: مؤسسه برای ما یادآور مراکز بزرگ فرهنگی در تمدن اسلامی همچون «بیت الحکمه» و «ربع رشیدی» و دیگر مراکز پژوهشی-فرهنگی نامدار جهانی هستند. همچنین این واقعیت افتخارآمیز را باید اعلام کنم که مؤسسه فرهنگی میرداماد با داشتن کتابخانه‌ای عظیم در کنار واحدهایی چون مرکز اسناد و عکس‌های تاریخی، مرکز تاریخ شفاهی و ... یکی از مراکز مهم علمی نه‌فقط در سرزمین گرگان، بلکه شمال کشور و حتی ایران عزیز است و فعالیت گسترده این مؤسسه سبب شده تا این مرکز فرهنگی محل رجوع بسیاری از پژوهشگرانی باشد که در حوزه‌های مختلف علمی مطالعه و تحقیق می‌کنند. وی افزود: حقیقت امر تدوین



و گردآوری دانشنامه بر اساس نیاز صورت گرفت. متأسفانه سرزمین گرگان به‌رغم تاریخ کهن، مشاهیر نامدار، منابع طبیعی غنی و .. در بسیاری از موارد فاقد مستندات و نوشته‌های مکتوب بود و با درک همین نیاز، تلاش شد شناسایی و جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از روش دانشنامه انجام پذیرد و برای تحقق این امر، مرکز دانشنامه گلستان در سال ۱۳۸۴ در مؤسسه فرهنگی میرداماد تأسیس شد. رحمت‌الله رجایی ادامه داد: شناسایی و استخراج مدخل‌ها، پژوهشگران، تأسیس کتابخانه تخصصی استان شناسی و گردآوری دستورالعمل‌ها نخستین گام‌ها برای تدوین دانشنامه گلستان بود، که بعداً با برگزاری کارگاه‌ها، نشست‌های علمی، حضور در محافل علمی و انتشار جزوات کامل شد. اما فقدان نیروی کارآمد، کمبود منابع، عدم تجربه، بی‌انگیزگی و شرایط سخت فرهنگی سال‌های بعد از ۱۳۸۴ سبب شد تا کار با کندی بسیار پیش برود.

مرکز دانشنامه گلستان پیشگام در کشور

سرپرست دانشنامه گلستان گفت: از همان ابتدا، تلاش برای تدوین دانشنامه گلستان، متناسب با واقعیت‌ها و امکانات استان برنامه‌ریزی شد. ما با مطالعه و بررسی لازم به این نتیجه رسیدیم که امکان تهیه مقالات بر اساس الفبا به‌صورت کامل که روال معمول دانشنامه نویسی است

«

روایتی از تدوین ۳۵۰ مدخل؛

دانشنامه گلستان در گذر یک دهه؛

از آغاز شکل‌گیری

تا عصر هوش مصنوعی

سید حسن حسینی نژاد

شاید ۱۰ سال، زمان کوتاهی برای تدوین تاریخ یک سرزمین باشد، اما برای پروژه پژوهشی چون «دانشنامه گلستان» که باهدف احیای فرهنگ بومی پا به عرصه ظهور گذاشت عمری پُر از تجربه است. رحمت‌الله رجایی سرپرست این مجموعه، از مسیرهای طی شده، افق‌های پیش‌رو و اقدامات و چشم‌انداز دیجیتال این اثر مرجع می‌گوید. دانشنامه‌ها، فراتر از قفسه‌های کتابخانه یا مجموعه‌ای از واژگان، به باور صاحبان اندیشه و اهل پژوهش، به تعبیری ضربان قلب حافظه تاریخی یک سرزمین‌اند. این آثار مرجع، در دنیای پرشتاب امروز، نقش «قطب‌نما» را بازی می‌کنند؛ همان‌جایی که دانشجو، پژوهشگر و حتی یک شهروند کنجکاو می‌تواند در کوتاه‌ترین زمان، غبار از چهره موضوعات پیچیده بردارد و به عمق شناخت دست یابد. در میان تلاش‌های صورت گرفته در گوشه و کنار کشورمان، «دانشنامه گلستان» که در سه جلد و به همت مؤسسه فرهنگی میرداماد نخستین بار در سال ۱۳۹۵ به زیور طبع آراسته شد جایگاه ویژه‌ای دارد. مجموعه‌ای که در اسفندماه همان سال و در مراسمی در تالار اندیشه مؤسسه فرهنگی میرداماد، با حضور آیت‌الله نور مفیدی بنیان‌گذار مؤسسه فرهنگی میرداماد و سید رضا صالحی امیری، وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی و اصحاب فرهنگ و اندیشه از استان‌های گلستان، مازندران و تهران از آن رونمایی به عمل آمد. این اثر که حاصل تلاش و همت ۸۵ نویسنده از جای‌جای ایران است، آینه‌ای تمام‌نما از تاریخ، جغرافیا، مشاهیر و آداب و رسوم گرگان (جرجان و استرآباد) را پیش روی ما قرار می‌دهد. دانشنامه‌ای که با دغدغه «احیای تاریخ و فرهنگ بومی» توسط مؤسسه فرهنگی میرداماد و باهدایت و حمایت آیت‌الله سید کاظم نور مفیدی توسط انتشارات بنام زیرمجموعه موسسه فرهنگی میرداماد متولد شد و تا به امروز، با ۳۵۰ مدخل منتشرشده و نویدبخش آرزویی بزرگ‌تر یعنی تدوین ۴ هزار مدخل برای معرفی کامل این دیار است. اما پشت این حروف الفبا که به‌دقت در کنار هم چیده شده‌اند، چه داستانی نهفته است؟ وضعیت امروز این دانشنامه در تالطم هزینه‌ها و تغییرات فرهنگی چگونه است؟ و این مرکز برآی رسیدن به آن افق ۴ هزار مدخلی چه نقشه‌هایی در سر داشته و دارد؟

پس از گذشت نزدیک به ۱۰ سال از انتشار این مجموعه برای پاسخ به این پرسش‌ها و بررسی دقیق وضعیت کنونی و چشم‌اندازهای احتمالی «دانشنامه گلستان»، به سراغ رحمت‌الله رجایی، نویسنده و پژوهشگر و سرپرست این مجموعه رفتیم تا در این گفت‌وگو، روایتی بی‌واسطه از «آنچه بوده» و «آنچه باید باشد» را بشنومیم.

«

لزوم بازگشت به جامع مدیریت سیل استان گلستان



سید محسن حسینی (برساوش)

بارندگی شدید در تاریخ های ۱۸ و ۱۹ مهر ۱۴۰۵ در استان گلستان، بویژه در جنوب شرقی استان که باعث فوت دو تن از هموطنان و ایراد خسارات فراوان گردید، انگیزه ای شد تا درباره لزوم بازگشت به برنامه جامع مدیریت سیل استان گلستان چند نکته را یادآوری کنم. بارندگی در مناطق مختلف، بویژه در جنوب شرق استان ظرف ۲ روز اتفاق افتاد که اغلب آن در روز ۱۸ و مقدار کمتری در تاریخ ۱۹ مهر به وقوع پیوست. در بین ۱۱۲ ایستگاه باران سنجی اداره کل هواشناسی استان گلستان،

حداکثر بارش در ایستگاه روستای قلعه قافه بالا از توابع شهرستان مینودشت به وقوع پیوست (۱۴۷ میلیمتر در ۱۸ مهر و ۱۴ میلیمتر در ۱۹ مهر). بر اساس بارش ثبت شده در ۱۱۲ ایستگاه متعلق به اداره کل هواشناسی و ۲۵ ایستگاه متعلق به شرکت آب منطقه‌ای استان، متوسط بارش استان در این ۲ روز، ۳۲ میلیمتر (معادل ۷ درصد بارش نرمال کل سال در استان) بود، یعنی تقریباً می‌توان گفت سهم بارش ۲۵ روز، ظرف ۲ یا ۱ روز اتفاق افتاد. ایستگاه‌های دارای بیشترین بارش از نظر تقسیم بندی شهرستانی، به شرح زیر است: مینودشت در روستای قلعه قافه بالا با ۱۶۱ میلیمتر، رامیان در روستای پاقلعه با ۱۴۵ میلیمتر، گالیکش در روستای کیارام با ۱۰۴ میلیمتر، علی آبادکنول در روستای زرین گل با ۱۰۰ میلیمتر، گرگان در روستای جعفرآباد با ۱۰۰ میلیمتر، آزادشهر در روستای وطن با ۶۶ میلیمتر، کلاله در شهر فراغی با ۵۷ میلیمتر، کردکوی در روستای درازنو با ۵۰ میلیمتر، بندرگز در روستای لیوان شرقی با ۴۷ میلیمتر، آق قلا در شهر آق قلا با ۴۳ میلیمتر، مراوه‌تپه در روستای کریم ایشان با ۴۱ میلیمتر، گمیشان در شهر سیمین شهر با ۳۵ میلیمتر، گنبدکاووس در روستای آق آباد با ۳۳ میلیمتر و ترکمن در شهر بندر ترکمن با ۳۲ میلیمتر. ناگفته نماند که از ابتدای مهر ماه سال جاری که سال آبی ۱۴۰۶-۱۴۰۵ آغاز شده است، بارش های شدیدی به وقوع پیوسته که چند مقایسه در این خصوص، نگاه بهتری در مدیریت آن می دهد. بارش از ابتدا تا ۲۷ مهر ۱۴۰۵، به میزان ۷۳ میلیمتر بوده است، در حالی که بارش از ابتدا تا ۲۵ مهر ۱۴۰۴، میزان ۳۴ میلیمتر و بارش از ابتدا تا ۲۵ مهر طبق آمار درازمدت ۳۶ میلیمتر اندازه گیری شده است. افزایش بارش مهر ماه سال جاری نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۱۵ درصد و افزایش نسبت به مدت مشابه درازمدت ۱۰۳ درصد بوده است و بر اساس گفته مدیرکل مدیریت بحران استانداری گلستان: چندین دوره بارندگی‌های شدید و جریان یافتن سیل در مهرماه باعث بروز ۳۵۰۰ میلیارد تومان خسارت به حوزه‌های مختلف زیرساختی استان به ویژه در مناطق شرقی شده است. عوامل وقوع سیل به دو بخش عوامل اصلی و عوامل تشدیدکننده تقسیم می شوند.

الف) عوامل اصلی وقوع سیل، دو پدیده تحت عناوین شدت و مدت بارش هستند. زمانی که شدت بارش باران بیش از حد معمول باشد و یا بارش باران بیش از حد معمول تداوم یابد و یا هر دو پدیده یادشده توأمان اتفاق بیفتند، امکان وقوع سیل بالا می رود. در استان گلستان سیل ها معمولاً به دو بخش بهاره و تابستانه تقسیم می شوند.

در بارش های بهاره شدت بارش معمولاً کم، ولی مدت زمان بارش طولانی است و گاهی با ذوب برف نیز همراه می شود و بارش های تابستانه علیرغم مدت کم، ولی به دلیل شدت زیاد، خسارات بیشتری به بار می آورند که سیل های این دو روز را می توان در زمره سیل های تابستانه محسوب کرد.

ب) عوامل تشدید کننده سیل عبارتند از: ساختار زمین شناسی، نوع خاک، جهت شیب، مقدار شیب و طول شیب هر حوضه آبریز، کاهش پوشش گیاهی، تغییر نامناسب کاربری اراضی در بالادست، فقدان یا نقص سیستم پایش و هشدار سیل، کاهش سطح مقطع رودخانه ها، حمل درخت و رسوبات توسط سیل، سازه ها و پل های احداثی روی رودخانه ها بویژه اگر غیر اصولی ساخته شده باشند، هرگونه تجاوز به بستر و حریم رودخانه ها و ...

در سال های اخیر به دلایل اقلیمی وقوع سیل در جهان افزایش یافته است و استان گلستان نیز از این قاعده مستثنی نیست.

مقصود از ذکر مطالب فوق، یادآوری برنامه جامع مدیریت سیل استان گلستان و تأکید بر بازگشت به آن است. تهیه برنامه جامع مدیریت سیل استان گلستان پس از وقوع سیل بزرگ سال ۱۳۸۰ در دستور کار کارگروه سیل استان قرار گرفت و با استفاده از پیشینه مطالعات و اجرا و همفکری گروه های مختلف کارشناسی تهیه و در سال ۱۳۸۵ به تصویب کارگروه تخصصی سیل استان و سپس شورای مدیریت بحران استان رسید. در این برنامه جامع وظایف همه دستگاه های اجرایی مرتبط با سیل در نظر گرفته شده و این برنامه با ۵ مولفه تدوین گردیده است که از جمله می توان به: مدیریت حوضه های آبریز، کنترل فیزیکی سیل، آمادگی در مقابل

سیل، مدیریت سیلابدشت و مدیریت بحران و مقابله با سیل اشاره نمود.

۱- مولفه مدیریت حوضه های آبریز (آبخیز) که مطالعه و اجرای طرح های آبخیزداری عمده ترین زیرمجموعه های این مولفه است.

۲- مولفه کنترل فیزیکی سیل، شامل مهندسی رودخانه و ساخت سدها که ذیلا پیرامون آن توضیحاتی ارائه می شود: ۱-۲- مطالعه و اجرای طرح های مهندسی رودخانه شامل ۸ پروژه: نقشه برداری، تعیین حد بستر و حریم، علامت گذاری حد نهایی بستر، اطلاع رسانی و آموزش عمومی، اخذ سند رودخانه ها، گشت های حفاظتی از رودخانه ها، لایروبی و اصلاح مسیر رودخانه ها، دیواره سازی و تثبیت بستر رودخانه ها از زیرمجموعه های مولفه کنترل فیزیکی سیل است.

۲-۲- با ساخت سدهای مخزنی و تاخیری می توان به کنترل سیلاب کمک شایانی کرد. لذا سدسازی نیز از زیرمجموعه های مهم مولفه کنترل فیزیکی سیل است. ۳- در مولفه آمادگی در برابر سیل می توان به سیستم های هشدار سیل، انجام مانورهای مرتبط با تخلیه و جابجایی مردم در زمان سیل، تعیین نقاط امن و آموزش همگانی اشاره کرد. ۴- در مولفه مدیریت سیلابدشت نیز، مواردی مانند بیمه سیل و مدیریت ریسک در کاربری اراضی مورد برنامه ریزی قرار می گیرند.

۵- مولفه مدیریت بحران و مقابله با سیل نیز مجموعه اقداماتی است که در زمان بحران می بایست مورد عمل دستگاه های مرتبط و مردم قرار گیرد. نظر به این که برنامه جامع مدیریت سیل استان گلستان با جزئیاتی همچون اعتبار مورد نیاز و زمان بندی اجرا، در سال ۱۳۸۵ به تصویب رسیده است، با گذشت حدود ۲۰ سال از تدوین آن، علیرغم اجرایی شدن بخش هایی از برخی از مولفه های این برنامه جامع توسط دستگاه های اجرایی، بنظر می رسد لازم است ضمن توجه بیشتر و بازگشت به این برنامه توسط مدیران اصلی استان و مدیران بخشی کشور و استان و تامین مناسبتر اعتبارات، هر گونه اعتبار مرتبط با موضوع سیل، در قالب برنامه جامع مدیریت سیل استان گلستان هزینه شود.

«

سوار کاری گنبد زیر تیغ سوء مدیریت ...



علی کیان

مجموعه سوارکاری گنبدکاووس، سرمایه ای ریشه دار در هویت

ورزشی و اقتصادی منطقه، امروز با پرسش هایی جدی درباره کیفیت مدیریت، فرسودگی زیرساخت ها، شفافیت قراردادهای بهره برداری و سرنوشت مسابقات پاییزه روبه روست. از اختلال در تأمین آب و برق و مشکلات نگهداری پیست تا ابهام در درآمدها، تعهدات بیمه ای و تقسیم مسئولیت ها، مجموعه ای از مطالبات بی پاسخ، نگرانی ها درباره آینده این مجموعه را افزایش داده است. انتقال رقابت ها به آق قلا نیز این پرسش را پررنگ تر کرده است که چرا گنبدکاووس، با سابقه دیرینه در اسب دوانی، هنوز از برنامه ای روشن برای برگزاری کورس پاییزه برخوردار نیست؟ مجموعه سوارکاری گنبدکاووس صرفاً میدان مسابقه نیست. بخشی از هویت منطقه و پشتوانه معیشت مربیان، مالکان اسب، چاپکسواران، کارگران و کسب و کارهای وابسته است. با این حال، گزارش فعالان این رشته از آبیاری نامنظم، خشکی پیست، گردوغبار و اختلال در تأمین آب و برق حکایت دارد؛ مشکلاتی که ضرورت بررسی وضعیت زیرساخت ها و عملکرد مدیریت مجموعه را دوچندان می کند. پرسش اساسی آن است که مسئولیت نگهداری پیست و تأمین امکانات بر عهده کدام بخش است و چه نهادی بر اجرای تعهدات نظارت می کند؟ قرارداد بهره برداری چه وظایفی برای بهره بردار تعیین کرده و آیا استفاده از منابع آب و زمین مجموعه برای فعالیت های کشاورزی، با مجوزهای قانونی و اولویت های ورزشی مطابقت دارد؟ پاسخ به این پرسش ها، مستلزم بررسی اسناد و ارائه توضیحات رسمی است. از سوی دیگر، نحوه وصول و هزینه کرد درآمدهای حاصل از اجاره فضاها و پارکینگ، وضعیت مطالبات کارگران، کمبود امکانات مناسب برای مربیان و نگهداری اسب ها و همچنین دامنه پوشش بیمه ای مسابقات، از موضوعات نیازمند شفاف سازی است. انتشار گزارش مالی و قراردادهای مرتبط و تعیین تکلیف مسئولیت جبران خسارت های احتمالی، می تواند از

ابهام ها بکاهد و اعتماد فعالان این رشته را تقویت کند. اما مهم ترین مطالبه همچنان روشن شدن سرنوشت کورس پاییزه گنبد است. برگزاری مسابقات در آق قلا فی نفسه محل ایراد نیست. مسئله، نبود توضیح شفاف درباره علت تأخیر در گنبد، نحوه تقسیم هفته های مسابقه و زمان دقیق آغاز رقابت ها است. فدراسیون، شرکت متولی مجموعه و هیئت های مسئول باید برنامه ای مشخص و قابل استناد ارائه دهند. گنبد برای حفظ جایگاه خود به تقابل با آق قلا نیاز ندارد؛ بلکه به توزیع منصفانه فرصت ها، زیرساخت مناسب و مدیریت کارآمد نیازمند است. اکنون انتظار می رود دستگاه های مسئول درباره وضعیت آب و برق، قرارداد بهره برداری، درآمدها و هزینه ها، مطالبات کارگران، بیمه مسابقات و زمان برگزاری کورس پاییزه، گزارشی روشن و مستند منتشر کنند. تعدد نهادهای متولی نباید به پاس کاری مسئولیت ها و بی پاسخ ماندن مطالبات بیانجامد. مسئله سوارکاری گنبد فقط تأخیر در چند هفته مسابقه نیست. آینده سرمایه ای عمومی و معیشت خانواده های بسیاری در میان است. احیای این مجموعه، نه با وعده های تکراری و اتهام زنی بدون سند، بلکه با شفافیت، نظارت مؤثر و مدیریت پاسخگو امکان پذیر است. گنبدکاووس شایسته آن است که مجموعه سوارکاری اش بار دیگر به نماد رونق ورزش و افتخار منطقه تبدیل شود، نه نشانه ای از بلا تکلیفی و مسئولیت های بی پاسخ.

فعال رسانه ای



گرگان میان محدودیت زمین و تامین مسکن؛

بلندمرتبه سازی چه تغییری ایجاد می کند؟

آیا بلندمرتبه سازی قیمت مسکن را کاهش می دهد؟

افزایش قیمت زمین و مسکن، یکی از دلایل مطرح شده برای استفاده از ظرفیت ساخت وساز عمودی در گرگان است. مهبیایی با اشاره به جایگاه این شهر در میان مراکز شهری دارای قیمت بالای مسکن در کشور گفت: محدودیت زمین از عوامل موثر بر بازار مسکن گرگان است و استفاده بهینه از اراضی موجود می تواند در افزایش عرضه واحدهای مسکونی نقش داشته باشد. از نظر اقتصادی، افزایش عرضه مسکن در صورت تناسب با تقاضای واقعی می تواند به تعدیل فشار بازار کمک کند اما میزان تاثیر آن به عوامل متعددی از جمله قیمت زمین، هزینه ساخت، نوع و متراژ واحدها، قدرت خرید خانوارها و شیوه عرضه مسکن وابسته است. یک کارشناس شهرسازی هم معتقد است بلندمرتبه سازی اصولی می تواند یکی از گزینه های مدیریت رشد شهری باشد، اما تحقق مزایای آن به نحوه اجرا و رعایت الزامات فنی، زیست محیطی و اجتماعی وابسته است. جواد گلچین با اشاره به محدودیت های طبیعی توسعه گرگان گفت: حفظ اراضی کشاورزی، جنگل ها و عرصه های طبیعی پیرامون شهر از ضرورت های برنامه ریزی شهری است و استفاده بهینه از زمین در محدوده های مناسب شهری می تواند بخشی از نیاز مسکن را پاسخ دهد و فشار ناشی از گسترش افقی شهر را کاهش دهد. به گفته وی افزایش عرضه مسکن، کاهش سهم زمین در هزینه تمام شده هر واحد، ایجاد اشتغال، رونق ساخت وساز و تقویت سرمایه گذاری از جمله ظرفیت های اقتصادی این سیاست است؛ هرچند کاهش قیمت مسکن به میزان عرضه، هزینه ساخت و شرایط بازار بستگی دارد. این کارشناس شهرسازی با تاکید بر ضرورت توجه به ظرفیت واقعی شهر افزود: بلندمرتبه سازی در صورت بی توجهی به زیرساخت ها و ملاحظات محیطی می تواند به افزایش ترافیک، فشار بر شبکه آب و فاضلاب، کاهش نورگیری و تهویه، تشدید جزیره گرمایی و اختلال در منظر شهری منجر شود. وی بررسی شرایط خاک، سطح آب زیرزمینی، خطر زلزله، ایمنی حریق، دسترسی خودروهای امدادی و ظرفیت حمل و نقل عمومی را از جمله الزاماتی دانست که باید پیش از صدور مجوزهای ساختمانی به صورت کارشناسی بررسی شوند. گلچین تاکید کرد: مسئله اصلی، انتخاب میان بلندمرتبه سازی یا توقف آن نیست، بلکه چگونگی اجرای این سیاست است؛ توسعه عمودی باید با رعایت ضوابط مهندسی، ارزیابی زیست محیطی، تامین پارکینگ و خدمات عمومی و مشارکت کارشناسان و شهروندان همراه باشد. وی خاطرنشان کرد: بلندمرتبه سازی ضابطه مند، در صورت انطباق با ظرفیت های واقعی شهر، می تواند به استفاده بهتر از زمین و پاسخ گویی به نیازهای شهری کمک کند؛ اما موفقیت آن باید بر اساس آثار واقعی بر کیفیت زندگی، دسترسی به مسکن و پایداری محیط شهری ارزیابی شود. تصویب طرح بلندمرتبه سازی گرگان، آغاز مرحله ای مهم در سیاست گذاری توسعه شهری است؛ اما نتیجه نهایی آن به چگونگی تبدیل ضوابط مصوب به ساخت وسازهای واقعی و میزان نظارت بر اجرای آن ها بستگی دارد. انتشار عمومی نقشه پهنه های مشمول، ضوابط ارتفاع و تراکم در هر محدوده، نتایج مطالعات ترافیکی و زیست محیطی و اطلاعات مربوط به ظرفیت شبکه های خدماتی می تواند به روشن شدن ابعاد تعداد پلاک های واجد شرایط، میزان ساخت وساز قابل پیش بینی و برنامه تامین زیرساخت ها، امکان ارزیابی دقیق تر آثار اقتصادی و اجتماعی طرح را فراهم می کند. بلندمرتبه سازی در گرگان زمانی می تواند به راهکاری موثر برای توسعه شهری تبدیل شود که استفاده بهینه از زمین با حفاظت از عرصه های طبیعی، ایمنی ساختمان ها، تامین زیرساخت ها و دسترسی شهروندان به مسکن مناسب همراه باشد که موفقیت این رویکرد با کیفیت زندگی و پایداری شهر سنجیده خواهد شد.



و سفرهای جدید را دارد یا خیر که این نگرانی در گرگان، به ویژه در محورهای پرت تردد و مسیرهای منتهی به مناطق گردشگری، اهمیت بیشتری پیدا می کند. مهبیایی با اشاره به اینکه مطالعات ترافیکی یکی از پیوست های طرح بلندمرتبه سازی است، گفت: وضعیت تردد در ساعات مختلف روز، ظرفیت معابر و شرایط ترافیکی محدوده های مورد مطالعه بررسی شده است. وی افزایش تعداد خودروها در سال های گذشته را یکی از عوامل فشار بر شبکه معابر دانست و توضیح داد که رشد تعداد خودروها در کشور، به گفته وی، بسیار بیشتر از رشد جمعیت بوده است. معاون استاندار گلستان تامین پارکینگ، استفاده از سامانه های هوشمند مدیریت ترافیک، دوربین های نظارتی و بهره گیری از ظرفیت پارکینگ های عمومی را از جمله راهکارهای مورد توجه در مطالعات عنوان کرد. با این حال، وجود پیوست ترافیکی به تنهایی به معنای حل همه مشکلات رفت و آمد نیست و ارزیابی آثار واقعی طرح به اطلاعات دقیق تری درباره تعداد واحدهای قابل احداث، میزان جمعیت پذیر هر محدوده، حجم سفرهای ایجاد شده و ظرفیت معابر پیرامونی نیاز دارد. مهبیایی با اشاره به اینکه مطالعات طرح شامل پیوست های مختلفی از جمله ترافیک، محیط زیست، مدیریت بحران، پدافند غیرعامل و مسائل اجتماعی و اقتصادی بوده است، گفت: این موارد در فرایند بررسی طرح در مراجع تخصصی مورد توجه قرار گرفته اند. در حوزه ایمنی ساختمان نیز رعایت ضوابط مهندسی، بررسی شرایط زمین، طراحی سازه، ایمنی حریق و دسترسی خودروهای امدادی از الزامات اساسی ساخت ساختمان های بلندمرتبه است. با این حال، برای ارزیابی کامل ظرفیت گرگان، لازم است نتایج مطالعات مربوط به آب و فاضلاب، برق و سایر خدمات شهری نیز در کنار اطلاعات مربوط به تعداد پلاک های مشمول و میزان تراکم پیش بینی شده بررسی شود. یکی از استدلال های معاون استاندار گلستان برای توضیح ظرفیت جمعیت پذیری گرگان، فاصله میان جمعیت پیش بینی شده در طرح جامع و جمعیت کنونی شهر است. مهبیایی گفت: طرح جامع گرگان در سال ۱۳۹۲ به تصویب رسید و در آن، جمعیت شهر برای افق سال ۱۴۰۲ حدود ۴۳۰ هزار نفر پیش بینی شده بود در حالی که به گفته وی، جمعیت کنونی گرگان حدود ۳۷۰ تا ۳۸۰ هزار نفر است. وی این فاصله را نشانه آن دانست که جمعیت شهر هنوز به برآورد پیش بینی شده در طرح جامع نرسیده است. با این حال، فاصله جمعیت واقعی با جمعیت پیش بینی شده در یک طرح جامع، به تنهایی برای تعیین ظرفیت جمعیت پذیری و میزان مجاز افزایش تراکم کافی نیست. تحلیل دقیق این موضوع به بررسی روند رشد جمعیت، پراکندگی سکونت، میزان واحدهای خالی، تقاضای واقعی مسکن، ظرفیت زیرساخت ها و الگوی رفت و آمد شهروندان نیاز دارد. از این رو، نتایج مطالعات جمعیتی باید در کنار سایر پیوست های طرح بررسی شود تا مشخص شود کدام محدوده ها و با چه میزان تراکمی ظرفیت پذیرش جمعیت بیشتر را دارند.

حضور پیدا می کنند و گزارش مطالعات را ارائه می دهند، اما حق رای در صحن شورا ندارند و تصمیم نهایی با اعضای این شورا است. وی افزود: در جلسات بررسی طرح، پرسش ها و ملاحظات اعضا مطرح می شود، مشاور طرح به آن ها پاسخ می دهد و در نهایت درباره تصویب یا رد طرح رای گیری صورت می گیرد.

بلندمرتبه سازی در کدام بخش های گرگان اجرامی شود؟

یکی از نگرانی های مطرح شده درباره این طرح، احتمال گسترش ساخت وسازهای بلندمرتبه به سمت عرصه های جنگلی و محدوده های طبیعی پیرامون گرگان است. مهبیایی در پاسخ به این نگرانی تاکید کرد که طرح بلندمرتبه سازی در محدوده قانونی شهر تعریف شده و ارتباطی با عرصه های جنگلی ندارد. وی با اشاره به مطرح شدن نام ناهارخوران در برخی اظهارنظرها گفت: محدوده ناهارخوران مشمول این طرح نیست و ضوابط مورد بررسی به بخش هایی از محدوده شهری اختصاص دارد. معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار گلستان همچنین درباره محور و لبعصر توضیح داد که محدوده مورد بررسی از حوالی میدان گلشهر به سمت بالادست قرار دارد و همه پلاک های این محور نیز مشمول طرح نمی شوند. به گفته وی، در بخش هایی از مرکز شهر محدودیت هایی برای بلندمرتبه سازی وجود دارد و اجرای این طرح به شرایط و ضوابط مشخص هر پلاک وابسته است. مهبیایی با اشاره به معیارهای اعلام شده برای زمین های مشمول طرح گفت: حداقل مساحت زمین هزار مترمربع و حداقل عرض معبر ۱۴ متر در نظر گرفته شده است. وی افزود: سطح اشغال ساختمان نیز حداکثر ۴۰ درصد مساحت زمین خواهد بود به این معنا که در زمینی به مساحت هزار مترمربع، حداکثر ۴۰۰ مترمربع به سطح اشغال ساختمان اختصاص می یابد و باقی زمین به فضای باز اختصاص خواهد داشت. معاون استاندار گلستان با بیان اینکه ضابطه عمومی طرح، ساختمان های حدود ۱۰ طبقه را در بر می گیرد، اظهار کرد: برای برخی زمین های بزرگتر و واجد شرایط خاص، امکان بررسی ارتفاع بیشتر نیز وجود دارد. به گفته وی، تعداد پلاک هایی که شرایط ویژه برای ساخت ساختمان های بلندتر را دارند، محدود است و نمی توان این ضوابط را به تمام زمین های شهر تعمیم داد. مهبیایی همچنین تاکید کرد که ساخت وساز در زمین های کوچک یا معابر کم عرض، بدون رعایت شرایط مصوب امکان پذیر نیست و تخلف از ضوابط باید مطابق مقررات مورد برخورد قانونی قرار گیرد.

ترافیک؛ مهم ترین نگرانی درباره افزایش تراکم

افزایش تراکم ساختمانی معمولاً این پرسش را ایجاد می کند که آیا شبکه معابر و ظرفیت تردد خودروها در محدوده های مشمول طرح، توان پاسخ گویی به جمعیت

محدودیت اراضی قابل توسعه، محاصره جغرافیایی شهر از سوی جنگل ها و زمین های حاصلخیز کشاورزی، افزایش قیمت زمین و مسکن و ضرورت پاسخ گویی به نیازهای سکونتی، گرگان را به سمت تغییر الگوی توسعه شهری سوق داده که این مسیر با تصویب طرح بلندمرتبه سازی در شورای عالی شهرسازی و معماری وارد مرحله تازه ای شده است. به گزارش ایرنا، تصویب طرح بلندمرتبه سازی گرگان بار دیگر این پرسش را مطرح کرده است که آیا توسعه عمودی می تواند ضمن پاسخ گویی به بخشی از نیاز مسکن، مانع گسترش افقی شهر و تعرض به اراضی کشاورزی و عرصه های طبیعی شود و در عین حال، فشار مضاعفی بر ترافیک و زیرساخت های شهری وارد نکند؟ پاسخ به این پرسش، مستلزم بررسی پیشینه قانونی طرح، محدوده اجرای آن، ضوابط ساخت وساز و مطالعات انجام شده درباره ظرفیت های جمعیتی، ترافیکی و زیست محیطی گرگان است. استاندار گلستان با اشاره به محدودیت های جغرافیایی و زیست محیطی گرگان، تغییر رویکرد از توسعه افقی به توسعه عمودی را یکی از راهکارهای استفاده بهینه از زمین در مرکز استان دانسته است. علی اصغر طهماسبی در نشست شورای عالی شهرسازی و معماری کشور که به بررسی طرح بلندمرتبه سازی گرگان اختصاص داشت، بر ضرورت حفاظت از اراضی حاصلخیز کشاورزی و جنگل های هیرکانی و استفاده مناسب از ظرفیت های موجود در محدوده شهری تاکید کرد. این رویکرد از آن جهت اهمیت دارد که توسعه افقی شهرها در استان های شمالی، به دلیل مجاورت با عرصه های جنگلی و زمین های مستعد کشاورزی، با محدودیت های جدی روبه رو است و گسترش بی ضابطه محدوده های سکونتی می تواند پیامدهای بلندمدت زیست محیطی و اقتصادی به همراه داشته باشد. گرگان نیز به دلیل قرار گرفتن در مجاورت جنگل ها در جنوب و اراضی حاصلخیز در بخش های دیگر، با محدودیت هایی برای گسترش افقی مواجه بوده و وجود رودخانه ها و شرایط جغرافیایی پیرامون شهر نیز بر پیچیدگی برنامه ریزی برای توسعه آینده آن افزوده است. در چنین شرایطی، استفاده از ظرفیت زمین های داخل محدوده قانونی شهر، در صورت رعایت ضوابط فنی و تامین زیرساخت ها، یکی از گزینه های مطرح برای پاسخ گویی به نیازهای سکونتی است.

پیشینه قانونی طرح

معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار گلستان با تشریح روند قانونی شکل گیری طرح بلندمرتبه سازی، تاکید کرد که این موضوع، تصمیمی در سطح استانداری، شهرداری یا اداره کل راه و شهرسازی استان نبوده و بر مبنای ضوابط ملی شهرسازی دنبال شده است. سیدمهدی مهبیایی گفت: شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در سال ۱۳۹۷ ضوابط عام بلندمرتبه سازی را برای مراکز استان ها و شهرهای بالای ۲۰۰ هزار نفر جمعیت تصویب و به استان ها ابلاغ کرد تا مطالعات لازم برای تعیین محدوده ها و ضوابط این نوع ساخت وساز انجام شود. به گفته وی، در اصلاحیه سال ۱۳۹۹، دامنه اجرای این ضوابط در استان های شمالی شامل گلستان، مازندران و گیلان گسترش یافت؛ زیرا محدودیت توسعه افقی و ضرورت حفاظت از اراضی حاصلخیز، استفاده بهینه از زمین در محدوده شهرها را به یکی از اولویت های برنامه ریزی شهری تبدیل کرده است. مهبیایی با اشاره به محدودیت های قانونی توسعه افقی در استان های شمالی، قانون جهش تولید مسکن و تبصره ۲ ماده ۹ آن را نیز از مبنای مورد استناد برای ضرورت استفاده از ظرفیت اراضی درون شهری عنوان کرد. وی افزود: مطالعات طرح بلندمرتبه سازی گرگان از حدود دو سال پیش با انتخاب مشاور ذی صلاح آغاز شد و پس از بررسی در کمیته های تخصصی، کمیسیون ماده پنج، شورای برنامه ریزی و توسعه استان و کمیته های فنی شورای عالی شهرسازی و معماری، برای تصمیم گیری نهایی به صحن این شورا ارائه شد. معاون استاندار گلستان با توضیح درباره سازوکار تصمیم گیری در شورای عالی شهرسازی و معماری گفت: مسئولان استانی در جلسات

«

تورج دریایی در گذر از دو قرن سکوت

نگاهی به بازنگریِ دو قرن سکوت

تورج دریایی در یادداشت گذر از دو قرن سکوت (بخارا، ش ۱۳۳، ۱۳۹۸)، چند گزاره را درباره‌ی تاریخ‌نگاری سده‌های نخست پس از برافتادن ساسانیان یادآوری می‌کند. بررسی این گزاره‌ها آزمونی است برای سنجش برخی داوری‌ها درباره‌ی دو قرن سکوت. دریایی می‌نویسد گزارش‌های نویسندگان عرب درباره زندگی ایرانیان که پایه‌ی کار زرین‌کوب در دو قرن سکوت بود، «دیگر نه قابل قبول است و نه مورد استناد.» این داوری از سوی نویسنده‌ای که تاریخ‌نگاری خود را درباره‌ی ایران باستان و ساسانیان به انجام رسانده، پرسش‌برانگیز است. روش کار زرین‌کوب، بیرون کشیدن آگاهی‌های تاریخی از گزارش‌های نویسندگان عرب بود. از دید زرین‌کوب، گزارش‌های تاریخی نه یک‌سره نادرست است، نه در بست پذیرفتنی. وان‌گهی بازنگری گزارش‌های تاریخی، چیز تازه‌ای نبود. هم‌چنان که یافته‌های امروزی، تاریخ‌نگاران را از گزارش‌های کهن بی‌نیاز نمی‌کند. از دید دریایی، شکاف در گزارش‌های باستان‌شناسی

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

آگهی نوبتی سه ماهه دوم سال ۱۴۰۵ ثبت اسناد و املاک ناحیه ۲ گرگان باستناد ماده ۱۲ قانون ثبت و مادتین ۵۲ و ۵۹ آئین نامه قانون مذکور اسامی اشخاصی که در حوزه ثبتی ناحیه ۲ شهرستان گرگان در سه ماهه دوم سال ۱۴۰۵ از آنان پذیرش ثبت بعمل آمده و یا به دستور آراء صادره از هیئت نظارت و یا به اختیارات تفویضی می بایست تجدید آگهی شود به شرح ذیل آگهی می گردد.

بخش ۳ ثبت ناحیه ۲ گرگان

ردیف ۱- پلاک ۸۸۳۳ فرعی از ۱۰۷- اصلی حمید گرجی گرجی دنگلان فرزند ابوطالب در دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه بمساحت ۱۲۰,۰۰۲ مترمربع واقع در اراضی خارج مزرعه

موقوفه محمدصادق باباصادقیان چاله باغ

ردیف ۲- پلاک ۸۸۲۷ فرعی از ۱۰۷- اصلی حسین محمدنژاد فرزند محمد در دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه بمساحت ۱۲۴,۸۵ مترمربع واقع در اراضی خارج مزرعه موقوفه محمدصادق باباصادقیان چاله باغ

ردیف ۳- پلاک ۸۸۳۴ فرعی از ۱۰۷- اصلی سیدمحمدحسن مدنی فرزند علی در دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه بمساحت ۷۹,۲۰ مترمربع واقع در اراضی خارج مزرعه موقوفه محمدصادق باباصادقیان چاله باغ

ردیف ۴- پلاک ۸۸۴۱ فرعی از ۱۰۷- اصلی مرتضی بابانژاد فرزند علی در دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه بمساحت ۱۶,۱۰ مترمربع واقع در اراضی خارج مزرعه موقوفه محمدصادق باباصادقیان چاله باغ

ردیف ۵- پلاک ۸۸۴۲ فرعی از ۱۰۷- اصلی حسین دوست محمدی فرزند ان موسی الرضا در دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه بمساحت ۸۸,۵ مترمربع واقع در اراضی خارج مزرعه موقوفه محمدصادق باباصادقیان چاله باغ

ردیف ۶- پلاک ۸۸۴۸ فرعی از ۱۰۷- اصلی مجید وطن دوست فیض آباد فرزند محمد در

و نوشته‌های فارسی، هر گونه دریافت از زندگی مردم ایران‌شهر را در چارچوب نگاه ناسیونالیستی سامان داد. بر پایه‌ی این نگاه، عرب‌ها بر زندگی مردم چیره شده بودند. او این دریافت را نادرست می‌داند؛ اما روشن نمی‌کند نادرستی این دریافت چگونه با یافته‌های دو قرن سکوت، ناسازگار است؟ دو قرن سکوت، گزارش فریادها و خیزش و پیکار ایرانیان در برابر زورآوری عرب‌ها است. «تنها چاره‌یی که مردم برای رهایی از بیداد ستمکاران می‌توانستند بیابند شورش و قیام بر ضد خلیفه بود.» (ج ۱۳۳۶، ص۳۵۰). چنین داده‌هایی در سراسر کتاب دو قرن سکوت پراکنده است. دریایی نوشته است: «اغلب ... بازنمود شده که در دو قرن اول تسلط اعراب بر ایران، کسی به فارسی نمی‌نوشت و شاید سخن نمی‌گفت و، پس از گذشت دو قرن، ... ایرانیان شعر سرودند و ادبیات نوین فارسی شکل گرفت.» سراسر این سخن نادرست است. در روزگار باستان فرآیند آموزش زبان درون خانواده کار می‌کرد. روشن است مردم نمی‌توانستند یک‌شبه زبان خود را به فراموشی بسپارند و زبان تازندگان را بیاموزند. زرین‌کوب در دو قرن سکوت نوشت: «وقتی حکومت ایران به دست تازیان افتاد زبان ایران نیز زبون تازیان گشت. نه در دستگاه فرمانروایان به کار می‌آمد و نه در کار دین [تازه] سودی می‌داشت. [نوشتن به] زبان پهلوی اندک اندک منحصر به موبدان و به‌دینان گشت. نه با دین تازی و زندگی تازه سازگار بود و نه هیچ اثر تازه‌ای به آن پدید می‌آمد. .. پهلوی و دری و سغدی و خوارزمی جز در بین عامه نماند.» (کوتاه‌شده، ص۱۱۲). دریایی در روند درست‌انگاری برداشت‌های خود به نوشته‌هایی برگشت می‌دهد که از زندگی مردم طبرستان آگاهی می‌دهند. مردمان سرزمین‌های آن سوی البرز در سنجش با بخش‌های دیگر بسیار دیرتر عرب‌ها را به میان خود پذیرفتند. از این رو، یادآوری دریایی، نه آگاهی تازه که هم‌آن دریافت‌های پیشین را استوار می‌گرداند. هم‌چنین دریایی روشن نمی‌کند که کدام بخش از گزارش به زبان پارسی میانه با برداشت‌های راه یافته در دو قرن سکوت ناسازگار است.هم‌نهاد سخن زرین‌کوب در دو قرن سکوت این است که عرب‌ها با گام نهادن در ایران و به دست گرفتن فرمان‌روایی، زبان پهلوی را آرام آرام کنار نهادند، و عربی را در دربار جا انداختند. همه‌ی نشانه‌ها و یافته‌های تاریخی از این دریافت پشتیبانی می‌کنند. اما روشن است، مردم نمی‌توانستند زبان مادری خود را وانهند و به زبان تازندگان سخن بگویند.

دریایی نوشته است، «از نامه‌های فارسی میانهٔ آرشیو قم پیداست که مسلمانان در منطقه حضور دارند اما این هم آشکار است که سنن و دین

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه بمساحت ۱۲۸,۳۵ مترمربع واقع در اراضی خارج مزرعه موقوفه محمدصادق باباصادقیان چاله باغ

ردیف ۷- پلاک ۸۸۵۸ فرعی از ۱۰۷- اصلی حامد حیدری فرزند حیدر در دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه بمساحت ۲۶۰,۰۰۶ مترمربع واقع در اراضی خارج مزرعه موقوفه محمدصادق باباصادقیان چاله باغ

ردیف ۸- پلاک ۸۸۵۹ فرعی از ۱۰۷- اصلی ام کلثوم پرناک دنگلانی فرزند شعبان در دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه بمساحت ۹۵,۵ مترمربع واقع در اراضی خارج مزرعه موقوفه محمدصادق باباصادقیان چاله باغ

ردیف ۹- پلاک ۸۸۶۰ فرعی از ۱۰۷- اصلی اعظم قنبری فرزند رضا در دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه بمساحت ۲۴۰,۸۵ مترمربع واقع در اراضی خارج مزرعه موقوفه محمدصادق باباصادقیان چاله باغ

ردیف ۱۰- پلاک ۸۸۶۱ فرعی از ۱۰۷- اصلی منیره عباس نژاد فرزند عبدالحسین در دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه بمساحت ۱۶۰,۷۸ مترمربع واقع در اراضی خارج مزرعه موقوفه محمدصادق باباصادقیان چاله باغ

ردیف ۱۱- پلاک ۸۸۶۲ فرعی از ۱۰۷- اصلی جابر میرزائی نیا فرزند حبیب در دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه بمساحت ۱۱۳,۳۵ مترمربع واقع در اراضی خارج مزرعه موقوفه محمدصادق باباصادقیان چاله باغ

ردیف ۱۲- پلاک ۸۸۹۰ فرعی از ۱۰۷- اصلی ابراهیم کریمی نژاد فرزند غلامعلی در دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه بمساحت ۲۴۸,۷ مترمربع واقع در اراضی خارج مزرعه موقوفه محمدصادق باباصادقیان چاله باغ

ردیف ۱۳- پلاک ۸۹۰۲ فرعی از ۱۰۷- اصلی فاطمه فلسفی فرزند خلیل در دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه بمساحت ۷۲۰,۱۵ مترمربع واقع در اراضی خارج مزرعه موقوفه محمدصادق باباصادقیان چاله باغ

ردیف ۱۴- پلاک ۸۹۰۳ فرعی از ۱۰۷- اصلی مهدی به آبادی فرزند محمدعلی و محسن شاهینی فرزند شعبانعلی در دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه بمساحت ۵۴۴,۳۷ مترمربع واقع در اراضی خارج مزرعه موقوفه محمدصادق باباصادقیان چاله باغ

ردیف ۱۵- پلاک ۸۹۰۴ فرعی از ۱۰۷- اصلی احمد قلعه نوی فرزند محمدرضا و روح اله فیروز فرزند بهرام و حسن خاکسار فرزند محمدعلی و الهام امیری کریمی فرزند نورمحمد و محمد غریب فرزند صفی الله در دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه بمساحت ۲۶۶,۳۵

کشتی‌بهر



ایرانیان پابرجاست و مراسم رقص و پایکوبی ادامه دارد و تاکستان‌ها به کار خود ادامه می‌دهند.» از این یادآوری درمی‌یابیم: ۱. رسیدن عرب‌ها به همه‌ی بخش‌ها و سرزمین‌های پادشاهی ساسانی، آهنگ یک‌سانی نداشت، آنان به برخی جاها زودتر و به جاهای دیگر دیرتر رسیدند؛ ۲. درآمدن عرب‌ها نشانه‌ی آن نیست که همه‌ی سامانه‌های زندگی اجتماعی به تندی از میان رفته و سامانه‌های دیگری به جای آن درآمده بود. چنین برداشتی با آگاهی‌های تاریخی از آن روزگار هم‌خوان نیست. چالش زرین‌کوب در دو قرن سکوت تنها این نبود که تا چه اندازه می‌توان گزارش‌های تاریخی عربی را درست دانست؛ او کوشید نشان دهد زبان پهلوی چگونه از گستره‌ی کردوکارهای سیاسی کنار گذاشته شد؛ بی‌آمد این کنارگذاری چه بود؟ و زبان فارسی چگونه توانایی خود را در پیوند زدن یادهای باستانی به زندگی هر روزه باز یافت؟ آن‌چه تورج دریایی در گذر از دو قرن سکوت برجسته می‌کند، هم‌آن پرسشی است که بخش‌های گوناگون دو قرن سکوت را به هم پیوند می‌دهد.

پژوهشگر ادب فارسی

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

مترمربع واقع در اراضی خارج مزرعه موقوفه محمدصادق باباصادقیان چاله باغ
ردیف ۱۶- پلاک ۸۹۰۵ فرعی از ۱۰۷- اصلی علی قزلسفلو فرزند باقر و یزدان ریاحی فرزند یوسف و احمد جهانی فرزند علی و محسن فرهمند پویا فرزند یوسف و محمود بشارت لو فرزند یوسف در دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه بمساحت ۴۹۱,۸۳ مترمربع واقع در

ارضی خارج مزرعه موقوفه محمدصادق باباصادقیان چاله باغ

ردیف ۱۷- پلاک ۸۹۰۶ فرعی از ۱۰۷- اصلی مرتضی ابراهیمی فرزند عبدالحمن در دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه بمساحت ۱۵۶,۴۵ مترمربع واقع در اراضی خارج مزرعه موقوفه محمدصادق باباصادقیان چاله باغ

ردیف ۱۸- پلاک ۸۹۰۷ فرعی از ۱۰۷- اصلی اکبر محمد قاسمی فرزند صفر و علیرضا بزی فرزند قاسم و علی عسکری فرزند محمد در دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه بمساحت

۴۰۵ مترمربع واقع در اراضی خارج مزرعه موقوفه محمدصادق باباصادقیان چاله باغ

ردیف ۱۹- پلاک ۸۹۰۸ فرعی از ۱۰۷- اصلی محمد کم فرزند یول قلی و احمد شهرکی فرزند داود و سهراب بلکلی فرزند قربانعلی در دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه بمساحت ۴۵۵,۳۵ مترمربع واقع در اراضی خارج مزرعه موقوفه محمدصادق باباصادقیان چاله باغ

ردیف ۲۰- پلاک ۵ فرعی از ۲۲۷- اصلی دولت جمهوری اسلامی ایران بانمایندگی شرکت فرودگاهها و ناوبری هوایی ایران در یکدانگ و سه ربع دانگ مشاع و ۳ سیر از ششدانگ عرصه بمساحت ۱۷۸۵۱۰ مترمربع واقع در اراضی خروس آباد

آگهی‌های نوبتی و تحدید حدود همزمان جهت اطلاع عموم آگهی می‌گردد تا هر شخص یا اشخاصی نسبت به پلاک‌های بالا اعتراض دارند می‌توانند از تاریخ انتشار نوبت اول به‌مدت نود روز مطابق ماده ۱۶ قانون ثبت و درخصوص آگهی تحدید حدود کسانی‌که نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی معترضند ظرف مدت سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس مطابق ماده ۵۶ آئین نامه، اعتراض خود را به صورت کتبی به این اداره تسلیم و برابر تبصره ۲ ماده واحد معترض می‌بایستی ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم، به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع دیصلاح قضائی اقدام و گواهی مبنی بر تقدیم دادخواست را به این اداره تسلیم نماید در غیراینصورت عملیات ثبتی ادامه خواهد یافت. ضمنا در صورتیکه روز آگهی مصادف با روز تعطیلی باشد روز بعد از تعطیلی چاپ می‌گردد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۸/۰۲

سیدعبسی میرکاظمی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف مهناز جهانفر- شناسه آگهی ۲۲۹۹۱۱۹۲

نکات ایمنی کودکان هنگام برخورد با حیوانات

اگر حیوان کودک را لیس زد یا چنگ انداخت چه کنیم؟

یکی از مهمترین آموزش‌ها این است که کودک بداند بعد از یک اتفاق ناخواسته نباید آن را پنهان کند. اگر حیوان او را گاز گرفت، چنگ انداخت یا بزاق حیوان با زخم، چشم یا دهان او تماس پیدا کرد، باید فوراً به پدر، مادر یا یک بزرگسال قابل اعتماد خبر بدهد. پنهان کردن ماجرا از ترس تنبیه یا نگرانی از ناراحت شدن والدین می‌تواند باعث تأخیر در دریافت مراقبت پزشکی شود. در مورد تماس ساده با پوست سالم، شرایط با گازگرفتگی یا تماس بزاق با پوست آسیب‌دیده متفاوت است و هر تماس حیوانی الزاماً به واکسن هاری نیاز ندارد. بنابراین بهتر است خانواده به جای تصمیم‌گیری بر اساس ظاهر حیوان، نوع تماس و شرایط حادثه را برای ارزیابی در اختیار کادر درمان قرار دهند.

بعد از گازگرفتگی یا خراش منتظر نمانید

اگر پوست کودک در اثر گازگرفتگی یا خراش حیوان آسیب دیده است، نخستین اقدام، شست و شوی سریع محل با آب و صابون است. توصیه می‌شود زخم یا محل خراش حدود ۱۵ دقیقه با مقدار کافی آب و صابون شسته و سپس فرد برای ارزیابی پزشکی مراجعه کند. والدین نباید منتظر بمانند تا ببینند زخم خودش خوب می‌شود یا نه. نوع حیوان، محل و شدت آسیب، وضعیت واکسیناسیون حیوان در صورت مشخص بودن و شرایط منطقه می‌تواند در تصمیم‌گیری پزشکی موثر باشد. همچنین نباید برای درمان خانگی زخم از مواد تحریک کننده یا روش‌های غیرعلمی استفاده کرد. سازمان‌های بهداشتی نسبت به استفاده از موادی مانند فلفل، اسیدها، مواد قلیایی یا عصاره‌های گیاهی روی زخم هشدار می‌دهند.

آموزش، بهتر از ترساندن کودک است

هدف از این قوانین این نیست که کودک از حیوانات بترسد یا تصور کند هر گربه و سگی خطرناک است. اتفاقاً آموزش درست می‌تواند به کودک کمک کند هم حیوانات را دوست داشته باشد و هم مرز ایمنی خود را بشناسد. بهتر است والدین این نکات را با آرامش و در قالب موقعیت‌های واقعی تمرین کنند. مثلاً هنگام قدم زدن در پارک از کودک بپرسند: اگر این سگ را دیدی، چه کار می‌کنی؟ پاسخ مطلوب باید ساده باشد؛ نزدیک نمی‌شوم و اول به مامان یا بابا می‌گویم. کودکی که از همان ابتدا یاد بگیرد فاصله مناسب را حفظ کند، هنگام غذا خوردن یا خوابیدن مزاحم حیوان نشود و در صورت گازگرفتگی یا خراش فوراً به بزرگ‌تر اطلاع دهد، در موقعیت‌های واقعی آمادگی بیشتری خواهد داشت. در نهایت رعایت فاصله به معنای بی‌مهری به حیوانات نیست. می‌توان حیوانات خیابانی را دوست داشت، برای آنها آب و غذا فراهم کرد یا برای حیوان زخمی کمک گرفت اما این کارها باید با نظارت بزرگسالان و بدون قرار دادن کودک در موقعیت تماس مستقیم و پرخطر انجام شود. آموزش همین مرز ساده می‌تواند یکی از عادت‌های مهم ایمنی برای کودکان در پارک، خیابان و دیگر فضاهای عمومی باشد.



داشته باش و صورتت را به صورتش نزدیک نکن.

حیوان زخمی را خودمان نجات ندهیم

دیدن یک حیوان زخمی می‌تواند احساسات کودک را تحریک کند و او ممکن است بخواهد برای کمک جلو برود. اما لمس حیوان زخمی، حتی با نیت کمک، کار مناسبی برای کودک نیست. درد و ترس می‌تواند رفتار حیوان را تغییر دهد و احتمال واکنش دفاعی را بیشتر کند. بنابراین اگر کودک حیوانی زخمی، بیمار یا بی‌حال دید، باید به جای نزدیک شدن، موضوع را به پدر و مادر یا یک بزرگسال قابل اعتماد اطلاع دهد. والدین نیز می‌توانند در صورت نیاز از خدمات دامپزشکی، گروه‌های معتبر حمایت از حیوانات یا مراجع محلی کمک بگیرند.

حیوان ممکن است ناگهان بترسد، از خود دفاع کند یا در شرایطی که کودک انتظارش را ندارد، گاز بگیرد و چنگ بزند. به همین دلیل آموزش چند قانون ساده به کودکان می‌تواند از بسیاری از آسیب‌های قابل پیشگیری جلوگیری کند

مهم این است که کودک برای کمک به حیوان، خودش را در معرض گازگرفتگی یا چنگ‌زدگی قرار ندهد.

تمیز به نظر رسیدن حیوان به معنی بی‌خطر بودن نیست

گاهی کودک می‌گوید که این گربه خیلی تمیز است یا این سگ آرام است، پس می‌توانم نوازشش کنم. بهتر است والدین در چنین شرایطی به جای پاسخ‌های ترسناک، توضیحی ساده بدهند. ظاهر حیوان نمی‌تواند وضعیت سلامت، سابقه واکسیناسیون یا وضعیت پزشکی آن را مشخص کند. درباره حیوان خیابانی معمولاً اطلاعات دقیقی از سابقه واکسیناسیون و وضعیت سلامت آن در اختیار کودک و خانواده نیست. به همین دلیل، فاصله گرفتن یک راه احتیاطی ساده است. البته این به معنی بیمار یا خطرناک بودن همه حیوانات خیابانی نیست. بسیاری از حیوانات ممکن است هیچ مشکلی نداشته باشند اما چون کودک نمی‌تواند وضعیت آنها را ارزیابی کند، بهتر است مسئولیت تماس با حیوان بر عهده بزرگسالان باشد.

کودک در پارک با گربه یا سگی رو به رو شد که در حال خوردن غذاست، نباید برای نوازش آن جلو برود، دستش را به سمت ظرف غذا ببرد یا بخواهد حیوان را از غذا دور کند. این موضوع درباره حیوانی که در حال مراقبت از بچه‌هایش نیز هست اهمیت دارد.

توله حیوان‌های بامزه را از دور ببینیم

توله‌سگ یا بچه‌گربه ممکن است برای کودک بسیار جذاب باشد. جثه کوچک و رفتار بازیگوش آنها باعث می‌شود کودک تصور کند نزدیک شدن به آنها هیچ خطری ندارد. اما اگر توله حیوانی در کنار مادرش باشد، نزدیک شدن کودک می‌تواند باعث واکنش مادر شود. به همین دلیل بهتر است به کودک یاد بدهیم بچه حیوانات

را از فاصله مناسب تماشا کند و برای لمس کردن آنها جلو نرود. اگر هم کودک می‌خواهد درباره آنها بیشتر بداند، والدین می‌توانند از همان فاصله برایش توضیح دهند که حیوان کوچک در کنار مادرش احساس امنیت بیشتری دارد و نباید مزاحم آنها شد.

صورت کودک نباید به صورت حیوان نزدیک شود

یکی دیگر از قوانین ساده‌ای که می‌توان به کودکان آموزش داد، نزدیک نکردن صورت به صورت حیوان است. کودک ممکن است بخواهد حیوان را ببوسد یا برای بازی کردن صورتش را به آن نزدیک کند اما چنین تماس نزدیکی ضروری نیست و احتمال گازگرفتگی در ناحیه صورت می‌تواند پیامدهای جدی‌تری داشته باشد. بر اساس برخی گزارش‌ها کودکان در میان قربانیان گازگرفتگی سگ سهم بالایی دارند و آسیب‌های ناحیه سر و گردن در کودکان می‌تواند جدی‌تر باشد. پس یک جمله ساده برای کودک کافی است؛ حیوان را از دور دوست

گشت‌وگذار در دل طبیعت، پارک‌های شهری و تمامی فضاهای گردشگری، فرصتی عالی برای نشاط کودکان است، اما مواجهه با حیوانات در این محیط‌ها نیازمند مراقبت بیشتری است. دیدن سگ‌ها و گربه‌ها در خیابان و تفرجگاه‌ها، کودکان را برای نوازش ترغیب می‌کند، حال آنکه نزدیک شدن به حیوانات ناآشنا می‌تواند پرخطر باشد. به گزارش ایرنا زندگی، دیدن یک گربه کوچک در گوشه پارک یا سگی آرام در خیابان می‌تواند برای کودکان هیجان‌انگیز باشد. خیلی از بچه‌ها دوست دارند حیوان را نوازش کنند، به آن غذا بدهند یا حتی برای نزدیک شدن به یک توله‌حیوان جلو بروند. اما ظاهر آرام یک حیوان به‌تنهایی نشان نمی‌دهد که نزدیک شدن به آن بی‌خطر است. حیوان ممکن است ناگهان بترسد، از خود دفاع کند یا در شرایطی که کودک انتظارش را ندارد، گاز بگیرد و چنگ بزند. به همین دلیل آموزش چند قانون ساده به کودکان می‌تواند از بسیاری از آسیب‌های قابل پیشگیری جلوگیری کند. اما در فضای باز و پارک‌ها، مواجهه کودکان با حیوانات خیابانی می‌تواند هم هیجان‌انگیز باشد و هم پرخطر. آموزش چند قانون ساده برای برخورد با حیوانات ناآشنا، می‌تواند از آسیب‌های احتمالی جلوگیری کند.

حیوان آرام هم ممکن است واکنش نشان دهد

یکی از اشتباه‌های رایج این است که تصور کنیم اگر حیوانی آرام، تمیز یا دوست‌داشتنی به نظر برسد، پس لمس کردنش مشکلی ندارد. در حالی که رفتار حیوان همیشه قابل پیش‌بینی نیست. حیوان ممکن است از حرکت ناگهانی کودک بترسد یا نزدیک شدن دست او را تهدید تلقی کند. کودکی که برای نوازش یک گربه یا سگ خیابانی دست دراز می‌کند، نمی‌تواند همیشه نشانه‌های رفتاری حیوان را درست تشخیص دهد. ممکن است حیوان در یک لحظه آرام باشد و در لحظه بعد برای دفاع از خود گاز بگیرد یا چنگ ببندد.

در پارک و خیابان بدون اجازه نزدیک نشو

بهتر است والدین به جای ترساندن کودک از حیوانات، یک قانون ساده و قابل فهم برای او تعیین کنند؛ "به حیوانی که نمی‌شناسی، بدون اجازه بزرگ‌تر نزدیک نشو و دست نزن." این قانون را می‌توان از همان سال‌های کودکی با مثال‌های روزمره تمرین کرد. مثلاً اگر در پارک گربه‌ای را دیدید، به کودک بگویید که می‌دانم دوست داری نوازشش کنی، اما اول باید از من بپرسی. اگر سگی را دیدید که صاحب دارد، باز هم کودک نباید بدون اجازه صاحب حیوان و حضور والدین به آن نزدیک شود. هدف این آموزش، ایجاد ترس از حیوانات نیست. کودک باید یاد بگیرد که دوست داشتن حیوانات با لمس کردن هر حیوانی تفاوت دارد. می‌توان حیوانات را از فاصله مناسب تماشا کرد، درباره آنها حرف زد و در صورت نیاز، کمک به حیوانات آسیب‌دیده را به بزرگ‌ترها سپرد.

به حیوانی که غذا می‌خورد نزدیک نشو

زمان غذا خوردن یکی از موقعیت‌هایی است که کودک باید فاصله خود را حفظ کند. حتی حیوانی که در حالت عادی آرام است، ممکن است هنگام غذا خوردن نسبت به نزدیک شدن دیگران واکنش نشان دهد. بنابراین اگر